

زیارت ناحیه مقدسه: نسخه مزار الکبیر؛ ابن المشهدی

بسم الله الرحمن الرحيم

به نام خداوند بخشنده مهربان

اَلسَّلَامُ عَلَى آدَمَ صِفْوَةِ اللَّهِ مِنْ خَلْقَتِهِ، اَلسَّلَامُ عَلَى شَيْثٍ وَلِيِّ اللَّهِ وَخَيْرَتِهِ، اَلسَّلَامُ عَلَى إِدْرِيسَ الْقَائِمِ لِلَّهِ بِحُجَّتِهِ،

سلام بر آدم، برگزیده خدا از آفریدگانش؛ سلام بر شیث، ولی خدا و منتخب او، سلام بر ادريس، برپادارنده حجت الهی؛

اَلسَّلَامُ عَلَى نُوحٍ الْمُجَابِ فِي دَعْوَتِهِ، اَلسَّلَامُ عَلَى هُودٍ الْمَمْدُودِ مِنَ اللَّهِ بِمَعُونَتِهِ،

سلام بر نوح، پاسخ داده شده در دعايش؛ سلام بر هود که از طرف خداوند کمک های بسیار به او شد؛

اَلسَّلَامُ عَلَى صَالِحٍ الَّذِي تَوَجَّهَ اللَّهُ بِكَرَامَتِهِ. اَلسَّلَامُ عَلَى إِبْرَاهِيمَ الَّذِي حَبَاهُ اللَّهُ بِخُلَّتِهِ،

سلام بر صالح که خدا به او تاج کرامت بخشید. سلام بر ابراهيم که خدا دوستی ویژه خود را به او بخشید؛

اَلسَّلَامُ عَلَى إِسْمَاعِيلَ الَّذِي فَدَاهُ اللَّهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ مِنْ جَنَّتِهِ، اَلسَّلَامُ عَلَى إِسْحَاقَ الَّذِي جَعَلَ اللَّهُ النُّبُوَّةَ فِي ذُرِّيَّتِهِ،

سلام بر اسماعيل که خدا قربانی بزرگی از بهشت را فديه او کرد، سلام بر اسحاق که خدا نبوت را در نسل او قرار داد؛

اَلسَّلَامُ عَلَى يَعْقُوبَ الَّذِي رَدَّ اللَّهُ عَلَيْهِ بَصَرَهُ بِرَحْمَتِهِ، اَلسَّلَامُ عَلَى يُوسُفَ الَّذِي نَجَّاهُ اللَّهُ مِنَ الْجُبِّ بِعَظَمَتِهِ.

سلام بر يعقوب که خدا با رحمتش نور دیدگانش را به او باز داد؛ سلام بر يوسف که خدا به عظمتش او را از چاه نجات داد.

اَلسَّلَامُ عَلَى مُوسَى الَّذِي فَلَقَ اللَّهُ الْبَحْرَ لَهُ بِقُدْرَتِهِ، اَلسَّلَامُ عَلَى هَارُونَ الَّذِي خَصَّهُ اللَّهُ بِنُبُوَّتِهِ،

سلام بر موسی که خدا دریا را با نیرویش برای او شکافت؛ سلام بر هارون که خدا او را به پیامبری خود مخصوص گردانید؛

اَلسَّلَامُ عَلَى شُعَيْبٍ الَّذِي نَصَرَهُ اللَّهُ عَلَى أُمَّتِهِ، اَلسَّلَامُ عَلَى دَاوُدَ الَّذِي تَابَ اللَّهُ عَلَيْهِ مِنْ خَطِيئَتِهِ.

سلام بر شعيب که خدا او را بر امتش پیروز کرد؛ سلام بر داود که خدا توبه او را از خطا و اشتباهش پذیرفت.

اَلسَّلَامُ عَلَى سُلَيْمَانَ الَّذِي دَلَّتْ لَهُ الْجِنُّ بِعِزَّتِهِ، اَلسَّلَامُ عَلَى أَيُّوبَ الَّذِي شَفَاهُ اللَّهُ مِنْ عِلَّتِهِ،

سلام بر سليمان که جنیان به واسطه عزتش، مقابلش فروتن شدند؛ سلام بر ایوب که خدا از بیماری بهبودش بخشید؛

اَلسَّلَامُ عَلَى يُونُسَ الَّذِي أَنْجَزَ اللَّهُ لَهُ مَضْمُونَ عِدَّتِهِ، اَلسَّلَامُ عَلَى عُزَيْرٍ الَّذِي أَحْيَاهُ اللَّهُ بَعْدَ مِيتَتِهِ،

سلام بر یونس که خداوند وعده اش را برای او وفا کرد؛ سلام بر عزیر که خداوند او را پس از مردن دوباره زنده کرد؛

اَلسَّلَامُ عَلَى زَكَرِيَّا الصَّابِرِ فِي مِحْنَتِهِ، اَلسَّلَامُ عَلَى يَحْيَى الَّذِي أَرْزَقَهُ اللَّهُ بِشَهَادَتِهِ،

سلام بر زکریا که در محنت و اندوهش شکیبایی ورزید؛ سلام بر یحیی که خدا با مقام شهادتش او را منزلت داد؛

اَلسَّلَامُ عَلَى عِيسَى رُوحِ اللَّهِ وَكَلِمَتِهِ. اَلسَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ حَبِيبِ اللَّهِ وَصِفْوَتِهِ،

سلام بر عیسی که روح خدا و کلمه الهی بود. سلام بر محمد که محبوب و برگزیده خدا است؛

السَّلَامُ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى بْنِ أَبِي طَالِبٍ الْمَخْصُوصِ بِأُخُوَّتِهِ، السَّلَامُ عَلَى فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ ابْنَتِهِ،

سلام بر امیرمؤمنان علی فرزند ابو طالب که برادری پیامبر ویژه او شد؛ سلام بر حضرت فاطمه زهرا، دختر رسول خدا؛

السَّلَامُ عَلَى أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ وَصِيِّ أَبِيهِ وَخَلِيفَتِهِ، السَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ الَّذِي سَمَحَتْ نَفْسُهُ بِمُهْجَتِهِ،

سلام بر ابو محمد امام حسن که وصی پدرش و جانشین او بود؛ سلام بر حسین که نفسش بزرگواری نمود با ریختن خون او؛

السَّلَامُ عَلَى مَنْ أَطَاعَ اللَّهَ فِي سِرِّهِ وَعَلَانِيَتِهِ، السَّلَامُ عَلَى مَنْ جَعَلَ اللَّهَ الشِّفَاءَ فِي تَرْبَتِهِ،

سلام بر کسی که خدا را در پنهان و آشکارا فرمانبرداری کرد؛ سلام بر آنکه خدا شفا را در خاکش قرار داد؛

السَّلَامُ عَلَى مَنْ أَلْجَبَابَةُ تَحْتَ قَبْتِهِ، السَّلَامُ عَلَى مَنْ أَلَائِمَةُ مِنْ ذُرِّيَّتِهِ. السَّلَامُ عَلَى ابْنِ خَاتَمِ الْأَنْبِيَاءِ،

سلام بر آنکه اجابت در زیر گنبدش حتمی است؛ سلام بر آنکه امامان از نسل اویند. سلام بر فرزند آخرین پیامبران،

السَّلَامُ عَلَى ابْنِ سَيِّدِ الْأَوْصِيَاءِ، السَّلَامُ عَلَى ابْنِ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ، السَّلَامُ عَلَى ابْنِ خَدِيجَةَ الْكُبْرَى،

سلام بر فرزند سرور جانشینان، سلام بر فرزند حضرت فاطمه زهرا، سلام بر فرزند خدیجه کبری،

السَّلَامُ عَلَى ابْنِ سِدْرَةِ الْمُنْتَهَى، السَّلَامُ عَلَى ابْنِ جَنَّةِ الْمَأْوَى، السَّلَامُ عَلَى ابْنِ زَمْزَمَ وَالصَّفَا.

سلام بر فرزند سدره المنتهی، سلام بر فرزند بهشتی که جایگاه آسایش است، سلام بر فرزند زمزم و صفا.

السَّلَامُ عَلَى الْمُرْمَلِ بِالْدمَاءِ، السَّلَامُ عَلَى الْمَهْتُوكِ الْخِيَاءِ، السَّلَامُ عَلَى خَامِسِ أَصْحَابِ أَهْلِ الْكِسَاءِ،

سلام بر کسی که در خونش غلتید، سلام بر کسی که خیمه گاهش هتک حرمت شد، سلام بر پنجمین نفر از اصحاب کسا؛

السَّلَامُ عَلَى غَرِيبِ الْغُرَبَاءِ، السَّلَامُ عَلَى شَهِيدِ الشُّهَدَاءِ، السَّلَامُ عَلَى قَتِيلِ الْأُدْعِيَاءِ، السَّلَامُ عَلَى سَاكِنِ كَرْبَلَاءَ،

سلام بر غریب غریبان، سلام بر شهید شهیدان، سلام بر کشته شده به دست حرامزادگان؛ سلام بر ساکن کربلا؛

السَّلَامُ عَلَى مَنْ بَكَتَهُ مَلَائِكَةُ السَّمَاءِ، السَّلَامُ عَلَى مَنْ ذُرِّيَّتُهُ الْأَزْكِيَاءُ. السَّلَامُ عَلَى يَحْسُوبِ الدِّينِ،

سلام بر کسی که فرشتگان آسمان بر او گریستند؛ سلام بر کسی که فرزندانش پاک‌ترین انسان‌ها بودند. سلام بر پادشاه دین؛

السَّلَامُ عَلَى مَنَازِلِ الْبَرَاهِينِ، السَّلَامُ عَلَى الْأَيْمَةِ السَّادَاتِ، السَّلَامُ عَلَى الْجُيُوبِ الْمَضْرَجَاتِ،

سلام بر منزلگاه‌های دلایل روشن الهی، سلام بر امامان والا و شرافتمند؛ سلام بر گریبان‌های خون آلوده؛

السَّلَامُ عَلَى الشِّفَاءِ الذَّابِلَاتِ، السَّلَامُ عَلَى النُّفُوسِ الْمُضْطَلَمَاتِ، السَّلَامُ عَلَى الْأَرْوَاحِ الْمُخْتَلَسَاتِ.

سلام بر لب‌های خشکیده، سلام بر جان‌های بلا دیده؛ سلام بر روح‌های از بدن رها شده.

السَّلَامُ عَلَى الْأَجْسَادِ الْعَارِيَاتِ، السَّلَامُ عَلَى الْجُسُومِ الشَّاحِبَاتِ، السَّلَامُ عَلَى الدِّمَاءِ السَّائِلَاتِ،

سلام بر پیکرهای عریان شده، سلام بر جسم‌های رنگ پریده، سلام بر خون‌های جاری شده،

السَّلَامُ عَلَى الْأَعْضَاءِ الْمُقَطَّعَاتِ، السَّلَامُ عَلَى الرَّؤُوسِ الْمُشَلَاتِ، السَّلَامُ عَلَى النَّسَوَةِ الْبَارِزَاتِ.

سلام بر عضوهای قطعه قطعه شده، سلام بر سرهای به نیزه رفته، سلام بر زنانی که نمودار گشته (از خیمه بیرون آمده).

السَّلَامُ عَلَى حُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى آبَائِكَ الطَّاهِرِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى أَبْنَائِكَ الْمُسْتَشْهَدِينَ،

سلام بر حجت پروردگار جهانیان؛ سلام بر تو (ای حسین) و بر پدران پاکت؛ سلام بر تو و بر فرزندان شهادت طلبت،

السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى ذُرِّيَّتِكَ النَّاصِرِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى الْمَلَائِكَةِ الْمُضَاجِعِينَ، السَّلَامُ عَلَى الْقَتِيلِ الْمُظْلُومِ،

سلام بر تو و بر نسل یاری کننده ات، سلام بر تو و بر فرشتگان کنار آرامگاهت، سلام بر کشته ستمدیده،

السَّلَامُ عَلَى أَخِيهِ الْمُسْمُومِ، السَّلَامُ عَلَى عَلِيِّ الْكَبِيرِ، السَّلَامُ عَلَى الرَّضِيعِ الصَّغِيرِ. السَّلَامُ عَلَى الْأُبدَانِ السَّلْبِيَّةِ،

سلام بر برادر مسمومش، سلام بر علی بزرگ (علی اکبر)، سلام بر آن شیر خوار کوچک. سلام بر بدن هایی که به تاراج رفته؛

السَّلَامُ عَلَى الْعِتْرَةِ الْقَرِيبَةِ (الْغَرِيبَةِ)، السَّلَامُ عَلَى الْمُجْدَلِينَ فِي الْفُلُوتِ، السَّلَامُ عَلَى النَّازِحِينَ عَنِ الْوُطَانِ،

سلام بر خاندان نزدیک به پیامبر، سلام بر روی زمین افتادگان در بیابان ها؛ سلام بر دورشدگان از سرزمین خویش،

السَّلَامُ عَلَى الْمَدْفُونِينَ بِلا أَكْفَانٍ. السَّلَامُ عَلَى الرَّؤُوسِ الْمُفَرَّقَةِ عَنِ الْأُبدَانِ، السَّلَامُ عَلَى الْمُحْتَسِبِ الصَّابِرِ،

سلام بر مدفونان بی کفن. سلام بر سرهای جدا از بدن ها؛ سلام بر کسی که مصائبش را به حساب خدا گذارد و شکبیا بود؛

السَّلَامُ عَلَى الْمُظْلُومِ بِلا ناصِرٍ، السَّلَامُ عَلَى سَاكِنِ التُّرْبَةِ الزَّاكِيَةِ، السَّلَامُ عَلَى صَاحِبِ الْقُبَّةِ السَّامِيَةِ.

سلام بر ستمدیده بی یاور؛ سلام بر کسی که در خاک پاک سکونت گزید؛ سلام بر صاحب گنبدی بلندمرتبه.

السَّلَامُ عَلَى مَنْ طَهَّرَهُ الْجَلِيلُ، السَّلَامُ عَلَى مَنْ افْتَخَرَ بِهِ جَبْرَائِيلُ، السَّلَامُ عَلَى مَنْ نَاغَاهُ فِي الْمَهْدِ مِيكَائِيلُ،

سلام بر آنکه خدای بزرگ پاکش کرد؛ سلام بر آنکه جبریل به او افتخار می کرد، سلام بر آنکه در مهد میکائیل برایش لایلی می گفت

السَّلَامُ عَلَى مَنْ نُكِتَتْ ذِمَّتُهُ، السَّلَامُ عَلَى مَنْ هُتِكَتْ حُرْمَتُهُ، السَّلَامُ عَلَى مَنْ أُرِيقَ بِالظُّلَمِ دَمُهُ،

سلام بر آنکه پیمانش را شکستند؛ سلام بر آنکه حرمتش را هتک نمودند؛ سلام بر آنکه خونس را با ستمکاری ریختند،

السَّلَامُ عَلَى الْمُغْسَلِ بِدَمِ الْجِرَاحِ، السَّلَامُ عَلَى الْمُجَرَّعِ بِكَأْسَاتِ الرِّمَاحِ، السَّلَامُ عَلَى الْمُضَامِ الْمُسْتَبَاحِ،

سلام بر آنکه با خون جراحاتش شستشو شد، سلام بر آنکه از کاسه نیزه ها نوشید، سلام بر آنکه بر وی ستم کرده، خونس را حلال شمردند

السَّلَامُ عَلَى الْمَنْحُورِ فِي الْوَرَى، السَّلَامُ عَلَى مَنْ دَفَنَهُ أَهْلُ الْقُرَى. السَّلَامُ عَلَى الْمُقْطُوعِ الْوَتَنِ،

سلام بر او که جلو مردم سرش را جدا کردند، سلام بر آنکه روستانشینان دفنش کردند. سلام بر آنکه رگ گردنش بریده شد،

السَّلَامُ عَلَى الْمُحَامِي بِلا مُعِينٍ، السَّلَامُ عَلَى الشَّيْبِ الْخَضِيبِ، السَّلَامُ عَلَى الْخَدِّ التَّرِيبِ، السَّلَامُ عَلَى الْبَدَنِ السَّلْبِ،

سلام بر حمایتگر بی یار، سلام بر محاسن با خون خضاب شده، سلام بر آن گونه خاک آلوده، سلام بر آن بدنی که به تاراج رفته،

السَّلَامُ عَلَى الثَّغْرِ الْمُقْرُوعِ بِالْقَضِيبِ، السَّلَامُ عَلَى الرَّأْسِ الْمَرْفُوعِ، السَّلَامُ عَلَى الْأَجْسَامِ الْعَارِيَةِ فِي الْفُلُوتِ،

سلام بر آن دندانی که با چوب کوبیده شد، سلام بر آن سری که بر نیزه رفت، سلام بر بدن هایی که عریان در بیابان ها بودند،

تَنْهَشُهَا الذَّنَابُ الْعَادِيَاتُ، وَتَخْتَلِفُ إِلَيْهَا السَّبَاعُ الضَّارِيَاتُ.

گرگ های متجاوز آن ها را دریدند و درندگان وحشی پیرامون شان رفت و آمد می کردند.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ وَعَلَى الْمَلَائِكَةِ الْمَرْفُوفِينَ حَوْلَ قُبَّتِكَ، الْحَافِينَ بِتُرْبَتِكَ، الطَّائِفِينَ بِعَرْصَتِكَ،

سلام بر تو مولای من؛ و بر فرشتگانی که گرداگرد گنبدت بال گشوده اند؛ خاک قبرت را در برگرفته اند؛ به طواف مشغول اند،

الْوَارِدِينَ لِزِيَارَتِكَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ فَإِنِّي قَصَدْتُ إِلَيْكَ، وَرَجَوْتُ الْفَوْزَ لَدَيْكَ. السَّلَامُ عَلَيْكَ سَلَامُ الْعَارِفِ بِحُرْمَتِكَ،

و برای زیارتت وارد می شوند. سلام بر تو؛ به قصد تو آمده ام و امیدوارم نزدت رستگار شوم. سلام بر تو؛ سلام عارف به شانت،

الْمُخْلِصِ فِي وَلَايَتِكَ، الْمُتَقَرِّبِ إِلَى اللَّهِ بِمَحَبَّتِكَ، الْبَرِّ مِنْ أَعْدَائِكَ، سَلَامٌ مَنْ قَلْبُهُ بِمُصَابِكَ مَقْرُوحٌ،

مخلص در ولایتت، تقرّب جوینده به خدا با محبتت، بیزاری جوینده از دشمنانت می باشد، سلام آنکه دلش از مصیبت مجروح،

وَدَمْعُهُ عِنْدَ ذِكْرِكَ مَسْفُوحٌ، سَلَامُ الْمَفْجُوعِ الْحَزِينِ الْوَالِهِ الْمُسْتَكِينِ،

و اشکش با یاد تو ریزان است؛ سلام دردمندی اندوهگین و سرگشته ای بیچاره؛

سَلَامٌ مَنْ لَوْ كَانَ مَعَكَ بِالطُّفُوفِ لَوْفَاكَ بِنَفْسِهِ حَدَّ السُّيُوفِ، وَبَدَلَ حُشَاشَتِهِ دُونَكَ لِلْحُتُوفِ، وَجَاهَدَ بَيْنَ يَدَيْكَ،

سلام آنکه اگر در کربلا باتو بود حتما با جانش از تیغ ها حفظ کرده و جان مانده را برایت در معرض مرگ گذاشته و کنارت نبرد می کرد

وَنَصَرَكَ عَلَى مَنْ بَغَى عَلَيْكَ، وَقَدَاكَ بِرُوحِهِ وَجَسَدِهِ وَمَالِهِ وَوَلَدِهِ، وَرُوحَهُ لِرُوحِكَ فِدَاءً،

و مقابل ستمکاران بر تو، یاریت می کرد؛ و روح و جسم و مال و اولادش را فدایت می ساخت، و روحش را فدای روح تو می کرد

وَأَهْلُهُ لِأَهْلِكَ وَقَاءً. فَلَيْتَ أَخَّرْتَنِي الدُّهُورُ، وَعَاقَنِي عَنْ نَصْرِكَ الْمَقْدُورُ، وَلَمْ أَكُنْ لِمَنْ حَارَبَكَ مُحَارِبًا،

و خانواده اش را به حفظ خانواده ات می گماشت. پس اگر زمان مرا از تو دور داشته، و مقدرات مرا از یاریت باز داشت، و نبودم که با دشمنانت بجنگم،

وَلِمَنْ نَصَبَ لَكَ الْعَدَاوَةَ مُنَاصِبًا، فَلَا تُدْبِنَكَ صَبَاحًا وَمَسَاءً، وَلَا بُكِينَ لَكَ بَدَلَ الدُّمُوعِ دَمًا، حَسْرَةً عَلَيْكَ،

و با دشمنانت بستیزم؛ هر صبح و شام بر تو ناله می کنم و به جای اشک برایت خون می گیرم؛ از حسرتی که بر تو می خورم،

وَتَأْسَفًا عَلَى مَا دَهَكَ، وَتَلَهْفًا حَتَّى أَمُوتَ بِلَوْعَةِ الْمُصَابِ، وَغُصَّةِ الْإِكْتِيَابِ. أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ،

و تأسفی که بر رنجت دارم و در سوز می مانم تا زمانی که از این مصیبت و غصّه بمیرم گواهی می دهم که نماز را برپا داشتی

وَأَتَيْتَ الزَّكَاةَ، وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْعُدْوَانِ، وَأَطَعْتَ اللَّهَ وَمَا عَصَيْتَهُ،

و زکات را پرداختی و به معروف فرمان دادی، و از بدی ها و ستمکاری ها بازداشتی، و از خدا فرمان بردی و نافرمانی نکردی،

وَتَمَسَّكَتْ بِهِ وَبِحَبْلِهِ فَأَرْضَيْتُهُ وَخَشَيْتُهُ، وَرَاقَبْتُهُ وَاسْتَجَبْتُهُ، وَسَنَنْتَ السُّنَنَ، وَأَطَقَاتِ الْفِتَنَ،

و به خدا و ریسمانش چنگ زدی تا راضیش کردی و از او ترس داشته و مراقب و پاسخگویش بودی و به سنت‌ها عمل و فتنه‌ها را خاموش نمودی،

وَدَعَوْتَ إِلَى الرَّشَادِ، وَأَوْضَحْتَ سُبُلَ السَّدَادِ، وَجَاهَدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ الْجِهَادِ. وَكُنْتَ لِلَّهِ طَائِعًا،

و به رشد خوانندی و راه‌های استوار را نمایانندی و حق جهاد در راه خدا را ادا کردی و تو فرمان‌برداری برای خداوند بودی،

وَلَجَدَكَ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ تَابِعًا، وَلِقَوْلِ أَيْيِكَ سَامِعًا، وَإِلَى وَصِيَّةِ أَخِيكَ مُسَارِعًا، وَلِعِمَادِ الدِّينِ رَافِعًا،

و از جدّت محمد پیروی می‌کردی و به گفتار پدرت گوش داده و به وصیت برادرت شتاب می‌نمودی، و ستون‌های دین را بالا بردی،

وَلِلطُّغْيَانِ قَامِعًا، وَلِلطُّغَاةِ مُقَارِعًا، وَلِلْأَمَّةِ نَاصِحًا، وَفِي غَمَرَاتِ الْمَوْتِ سَابِحًا،

و سرکشی را درهم کوبیدی، و طغیان‌گران را نابود کردی، و برای امت خیرخواهی می‌کردی، و در گرداب مرگ شناور بودی،

وَلِلْفُسَاقِ مُكَافِحًا، وَبِحُجَجِ اللَّهِ قَائِمًا، وَلِلْإِسْلَامِ وَالْمُسْلِمِينَ رَاحِمًا، وَلِلْحَقِّ نَاصِرًا،

و فاسقان را به مبارزه می‌خواندی، و حجّت‌های الهی را اقامه کرده، و برای اسلام و مسلمانان رحم کننده، و یار حق بودی،

وَعِنْدَ الْبَلَاءِ صَابِرًا، وَلِلدِّينِ كَالِتًا، وَعَنْ حَوَازِهِ مُرَامِيًا. تَحُوطُ الْهُدَى وَتَنْصُرُهُ، وَتَبْسُطُ الْعَدْلَ وَتَنْشُرُهُ،

و در بلاها شکیبا و برای دین نگهبان، و از حریمش مدافع بودی نگبان هدایت و یاور آن و گستراننده عدل و نشردهنده آن،

وَتَنْصُرُ الدِّينَ وَتُظْهِرُهُ، وَتَكْفُ الْعَابِثَ وَتَزْجُرُهُ، وَتَأْخُذُ لِلدِّينِ مِنَ الشَّرِيفِ،

و یاور دین و آشکارکننده آن بوده و بازیچه‌شمارنده‌اش را از کارش بازداشته و منعش نمودی و حقّ زیردستان را از اشراف می‌گرفتی

وَتُسَاوِي فِي الْحُكْمِ بَيْنَ الْقَوِيِّ وَالضَّعِيفِ. كُنْتَ رَبِيعَ الْإِيْتَامِ، وَعَصِمَةَ الْإِنَامِ، وَعِزَّ الْإِسْلَامِ، وَمَعْدَنَ الْأَحْكَامِ،

و بین قوی و ضعیف به مساوات حکم می‌کردی. تو بهار یتیمان و پناهگاه مردم، و عزّت و سربلندی اسلام و معدن احکام

وَحَلِيفَ الْإِنْعَامِ، سَالِكًا طَرَائِقَ جَدِّكَ وَأَيْيِكَ، مُشَبِّهًا فِي الْوَصِيَّةِ لِأَخِيكَ. وَفِي الذِّمِّ، رَضِيَ الشِّيمِ،

و هم‌پیمان بخشش بوده پوینده راه جدّ و پدرت و در وصیتش چون برادرت بودی وفاکننده به پیمان‌ها، دارای خوی‌های نیکو

ظَاهِرَ الْكَرَمِ، مُتَهَجِّدًا فِي الظُّلَمِ، قَوِيمَ الطَّرَائِقِ، كَرِيمَ الْخَلَائِقِ، عَظِيمَ السَّوَابِقِ،

آشکارکننده بزرگواری‌ها، عبادت کننده در تاریکی‌ها، دارنده روش‌های استوار، و اخلاق بخشنده‌گی، با پیشینه ای بزرگ،

شَرِيفَ النَّسَبِ، مُنِيفَ الْحَسَبِ، رَفِيعَ الرُّتَبِ، كَثِيرَ الْمَنَاقِبِ، مَحْمُودَ الضَّرَائِبِ، جَزِيلَ الْمَوَاهِبِ.

نژادی شریف، حسبی برتر، درجاتی عالی، افتخاراتی فراوان، سرشت‌های ستوده، موهبت‌ها بسیار بود.

حَلِيمٌ رَشِيدٌ مُنِيبٌ، جَوَادٌ عَلِيمٌ شَدِيدٌ، إِمَامٌ شَهِيدٌ، أَوَّاهٌ مُنِيبٌ، حَبِيبٌ مَهِيبٌ.

بردار، رشید، انابه کننده، بخشنده، دانا، قدرت‌مند، پیشوا، شهید، شیون کننده، انابه کننده، دوست‌دارنده، با هیبت هستی.

كُنْتَ لِلرَّسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَكَدًّا، وَلِلْقُرْآنِ سَدًّا، وَلِلْأُمَّةِ عَضُدًا، وَفِي الطَّاعَةِ مُجْتَهِدًا،

تو برای پیامبر درود خدا بر او و آل او فرزند، و برای قرآن پشتیبان، و برای امت بازویی توانا بودی، و در فرمانبری کوشا،

حَافِظًا لِلْعَهْدِ وَالْمِيثَاقِ، نَاكِبًا عَنِ سُبُلِ الْفُسَاقِ، [و] بَاذِلًا لِلْمَجْهُودِ، طَوِيلَ الرُّكُوعِ وَالسُّجُودِ.

نگهبان پیمان و تعهد، کناره‌گیر از راه مردم فاسق، و بکار برنده تمام سعی خود بودی. دارای رکوع و سجود طولانی بودی.

زَاهِدًا فِي الدُّنْيَا زُهْدَ الرَّاحِلِ عَنْهَا، نَازِرًا إِلَيْهَا بِعَيْنِ الْمُسْتَوْحِشِينَ مِنْهَا،

نسبت به دنیا بی اعتنا چون آنکه می خواهد از آن کوچ کند، بودی و همواره به آن به دیده وحشت زدگان می نگریستی.

أَمَّا لَكَ عَنْهَا مَكْفُوفَةٌ، وَهَمَّتْكَ عَنْ زِينَتِهَا مَصْرُوفَةٌ، وَالْحَاضِظُكَ عَنْ بَهْجَتِهَا مَطْرُوفَةٌ، وَرَغَبْتُكَ فِي الْآخِرَةِ مَعْرُوفَةٌ.

از آرزوهای دنیوی دل‌کنده و همتت از زینتش منصرف و نگاهت از شادمانی آن پوشیده شده و شوقت به آخرت معروف بود.

حَتَّى إِذَا الْجَوْرُ مَدَّ بَاعَهُ، وَأَسْفَرَ الظُّلُمُ قِنَاعَهُ، وَدَعَا الْغَىُّ أَتْبَاعَهُ،

تا آنکه ستم، دستش را دراز کرد و ظلم، نقاب از چهره افکند، و گمراهی پیروانش را فرا خواند؛

وَأَنْتَ فِي حَرَمٍ جَدِّكَ قَاطِنٌ، وَلِلظَّالِمِينَ مُبَايِنٌ، جَلِيسُ الْبَيْتِ وَالْمِحْرَابِ، مُعْتَزِلٌ عَنِ اللَّذَاتِ وَالشَّهَوَاتِ،

و تو در حرم جدت ساکن و از ستمگران به کنار بودی، مونس محراب و خانه گشته و از شهوت‌ها و لذت‌ها دوری گزیده،

تَنْكِرُ الْمُنْكَرِ بِقَلْبِكَ وَلِسَانِكَ، عَلَى حَسَبِ طَاقَتِكَ وَإِمْكَانِكَ، ثُمَّ اقْتَضَاكَ الْعِلْمُ لِلْإِنْكَارِ،

و در حدّ طاقت و امکانت با قلب و زبانت زشتی را زشت شمردی. سپس اقتضا کرد علم، تو را بر انکار؛

وَلَزِمَكَ أَنْ تُجَاهِدَ الْفُجَّارَ، فَسِرْتَ فِي أَوْلَادِكَ وَأَهْلَالِكَ، وَشِيعَتِكَ وَمَوَالِيكَ،

و بر تو جهاد با فاجران لازم شد؛ پس با فرزندان و خاندان و پیروان و دوستانت به راه افتادی،

وَصَدَعْتَ بِالْحَقِّ وَالْبَيِّنَةِ، وَدَعَوْتَ إِلَى اللَّهِ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ،

و حق را با برهان آشکار ساختی، و با حکمت و پند نیکو به سوی خدا خواندی،

وَأَمَرْتَ بِإِقَامَةِ الْحُدُودِ، وَالطَّاعَةِ لِلْمَعْبُودِ، وَنَهَيْتَ عَنِ الْخَبَائِثِ وَالطُّغْيَانِ،

و امر کردی به برپایی حدود الهی و اطاعت پروردگار، و نهی از پلیدی‌ها و سرکشی‌ها نمودی،

وَوَاجَهُوكَ بِالظُّلْمِ وَالْعُدْوَانِ. فَجَاهَدْتَهُمْ بَعْدَ الْإِيْعَاضِ لَهُمْ، وَتَأْكِيدِ الْحُجَّةِ عَلَيْهِمْ،

و آنان با ستم و عدوان با تو مقابله نمودند. پس از آنکه آن‌ها را از کارشان بازداشتی و اتمام حجت نمودی با آنان جنگیدی

فَنَكَّثُوا ذِمَامَكَ وَبَيَّعَتَكَ، وَأَسْخَطُوا رَبَّكَ وَجَدَّكَ، وَبَدَّوْكَ بِالْحَرْبِ، فَثَبَّتَ لِلطَّغْنِ وَالضَّرْبِ،

پس پیمان و بیعتت را شکسته و رب وجدت را خشمگین کرده و با تو شروع به جنگ کردند پس تو برابر ضربات استوار ماندی

وَوَحْنَتْ جُنُودَ الْفُجَارِ، وَافْتَحَمْتَ قَسْطَلَ الْغُبَارِ، مُجَالِدًا بِذِي الْفِقَارِ، كَأَنَّكَ عَلَى الْمُخْتَارِ.

ولشکریان بدکاره را درهم کوبیدی و در غبار برخاسته در میدان با ذوالفقار آنگونه وارد شدی که گویا علی برگزیده هستی.

فَلَمَّا رَأَوْكَ ثَابِتَ الْجَاشِ، غَيْرَ خَائِفٍ وَلَا خَاشِ، نَصَبُوا لَكَ غَوَائِلَ مَكْرِهِمْ،

پس، هنگامی که تو را ثابت قدم دیدند، که هیچ‌گونه ترس و هراسی در تو نبود برای تو دام های مکرشان را نصب کردند،

وَقَاتَلُوكَ بِكَيْدِهِمْ وَشَرِّهِمْ، وَأَمَرَ اللَّعِينُ جُنُودَهُ، فَمَنَعُوكَ الْمَاءَ وَوَرُودَهُ،

و با مکر و شرشان با تو جنگیدند و آن ملعون به لشکریانش دستور داد، پس تو را از آب و وارد شدن به آن باز داشتند،

وَنَاجَزُوكَ الْقِتَالَ، وَعَاجَلُوكَ النَّزَالَ، وَرَشَقُوكَ بِالسَّهَامِ وَالنَّبَالِ، وَبَسَطُوا إِلَيْكَ الْأِصْطِلَامَ،

و با تو جنگیده و در این امر شتافتند و تیرها و سنگ ها را به تو پرتاب کردند و دست‌های ویرانگرشان را به سوی تو گشودند،

وَلَمْ يَرِعَوْا لَكَ ذِمَامًا، وَلَا رَاقِبُوا فَيْكَ آثَامًا، فِي قَتْلِهِمْ أَوْلِيَاءَكَ، وَنَهَبِهِمْ رَحَالَكَ،

و حقّت را مراعات نکردند، و در کشتن عزیزانت و غارت زاد و توشه تو هیچ ترسی از جزای گناه خویش به خود راه ندادند؛

وَأَنْتَ مُقَدَّمٌ فِي الْهَبَوَاتِ، وَمُحْتَمِلٌ لِلْأَذْيَاتِ، قَدْ عَجَبْتَ مِنْ صَبْرِكَ مَلَائِكَةُ السَّمَاوَاتِ.

و تو در میان غبار پیش تاخته، و اذیت‌ها را تحمل می کردی، که به راستی فرشتگان آسمان از صبر تو در شگفت آمدند.

فَأَحْدَقُوا بِكَ مِنْ كُلِّ الْجِهَاتِ، وَأَتَخَنُوكَ بِالْجِرَاحِ، وَحَالُوا بَيْنَكَ وَبَيْنَ الرُّوحِ،

پس از هرسو، اطرافت را گرفتند؛ و زخم های عمیقی بر تو وارد کردند و میان تو و راحتی فاصله انداختند

وَلَمْ يَبْقَ لَكَ نَاصِرٌ، وَأَنْتَ مُحْتَسِبٌ صَابِرٌ، تَذَبُّ عَنْ نِسْوَتِكَ وَأَوْلَادِكَ،

و تو را یاورى نمانده بود، و کار را به خدا واگذار و صبر نمودی، و از زنان و اولادت دفاع می کردی.

حَتَّى نَكْسُوكَ عَنْ جَوَادِكَ، فَهَوَيْتَ إِلَى الْأَرْضِ جَرِيحًا، تَطْوُكُ الْخَيُْولُ بِحَوَافِرِهَا،

تا آن که تو را از اسب سرنگون ساختند، و با بدنی مجروح بر زمین افتادی؛ اسب ها با سم هایشان تو را لگدکوب کردند

وَتَعْلُوكَ الطُّغَاةُ بِبَوَاتِرِهَا. قَدْ رَشَحَ لِلْمَوْتِ جَيْنُكَ،

و طاغیان تو را با شمشیرهایشان می زدند. عرق مرگ بر پیشانیّت نشست.

وَاخْتَلَفَتْ بِالْإِنْقِبَاضِ وَالْإِنْبِساطِ شِمَالُكَ وَيَمِينُكَ، تُدِيرُ طَرْفًا خَفِيًّا إِلَى رَحْلِكَ وَيَمِينِكَ،

و راست و چپ بدنت را با جمع کردن و گشودن جابجا می کردی. و با گوشه چشم به خیام و حرمت نگاه می کردی،

وَقَدْ شَغَلَتْ بِنَفْسِكَ عَنْ وَلَدِكَ وَأَهْلِيكَ،

و مصیبتی که بر تو وارد می شد تو را از فرزندان و اهل بیتت به خود مشغول ساخته بود،

وَأَسْرَعَ فَرَسُكَ شَارِدًا، إِلَى خِيَامِكَ قَاصِدًا، مُحَمِّمًا بَاكِيًا، فَلَمَّا رَأَيْنَ النِّسَاءَ جَوَادِكَ مَخْزِيًا،

و اسب تو شیون کُنان و گریه کُنان با سرعت به سوی حرمت آمد، هنگامی که زنان اسب را شرمسار دیدند

وَنَظَرْنَ سَرَجَكَ عَلَيْهِ مَلُويًا، بَرَزْنَ مِنَ الْخُدُورِ، نَاشِرَاتِ الشُّعُورِ عَلَى الْخُدُودِ، لَا طِمَاطِ الْوُجُوهِ سَافِرَاتٍ،

و به زین واژگونش نظر افکنده، از خیمه‌ها بیرون آمده، مو را بر چهره‌هایشان پریشان کرده، بر چهره بی نقابشان سیلی می‌زدند،

وَبِالْعَوِيلِ دَاعِيَاتٍ، وَبَعْدَ الْعِزِّ مُذَلَّلَاتٍ، وَ إِلَى مَصْرَعِكَ مُبَادِرَاتٍ. وَالشَّمْرُ جَالِسٌ عَلَى صَدْرِكَ،

و ناله‌زنان تو را می خواندند، و بعد از عزت ذلیل شده، و به سوی قتلگاهت شتافتند. در حالی که شمر بر سینه ات نشسته بود

وَمَوْلُغٌ سَيْفُهُ عَلَى نَحْرِكَ، قَابِضٌ عَلَى شَيْتِكَ بِيَدِهِ، ذَابِحٌ لَكَ بِمُهْنَدِهِ، قَدْ سَكَنْتَ حَوَاسِكَ،

و تیغش را بر گودی زیر گلویت فروبرده و محاسنت را گرفته، سرت را با تیغ تیزش می برید؛ که حواست از حرکت ایستاد،

وَحَفِيَّتُ أَنْفَاسِكَ، وَرَفَعَ عَلَى الْقَنَاءِ رَأْسَكَ، وَسَبَى أَهْلُكَ كَالْعَبِيدِ، وَصَفَّدُوا فِي الْحَدِيدِ،

و نفس‌هایت پنهان، و سرت بر بالای نیزه بلند شد، و اهل بیت مانند بردگان اسیر شدند، و در زنجیر به بند کشیده شدند.

فَوْقَ أَقْتَابِ الْمَطِيَّاتِ، تَلَفَحَ وَجُوهُهُمْ حَرُّ الْهَاجِرَاتِ، يُسَاقُونَ فِي الْبَرَارِى وَالْفَلَوَاتِ،

در فراز جهاز شتران، چهره‌یشان را گرمای شدید می‌سوزاند، و در بیابان‌ها و دشت‌ها برده می شدند؛

أَيْدِيهِمْ مَغْلُولَةٌ إِلَى الْأَعْنَاقِ، يُطَافُ بِهِمْ فِي الْأَسْوَاقِ. فَالْوَيْلُ لِلْعَصَاةِ الْفَاسِقِ،

دست‌هایشان به گردنشان آویخته بود، و آن‌ها را دور بازارها می چرخاندند. پس، وای بر آن گناه‌کاران فاسق

لَقَدْ قَتَلُوا بِقَتْلِكَ الْإِسْلَامَ، وَعَظَلُوا الصَّلَاةَ وَالصِّيَامَ، وَنَقَضُوا السُّنْنَ وَالْأَحْكَامَ، وَهَدَمُوا قَوَاعِدَ الْإِيمَانِ،

قطعا با کشتنت اسلام را کشتند و نماز و روزه را رها کردند و سنت‌ها و احکام را شکسته، و ستون‌های ایمان را منهدم کردند،

وَحَرَّفُوا آيَاتِ الْقُرْآنِ، وَهَمَلُوا فِي الْبَغْيِ وَالْعُدْوَانِ. لَقَدْ أَصْبَحَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَوْتُورًا،

و آیات قرآن را تحریف نموده، و در دشمنی و ظلم پیش تاختند. آنگاه به راستی رسول خدا خون‌خواه تو شد،

وَعَادَ كِتَابُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مَهْجُورًا، وَغَوَدَ الْحَقُّ إِذْ قُهِرَتْ مَقْهُورًا،

و بار دیگر کتاب خدا متروک و دور افتاده شد؛ و حق، مورد خیانت قرار گرفت. چون تو شکست خوردی؛

وَقُفِدَ بِفَقْدِكَ التَّكْبِيرُ وَالتَّهْلِيلُ، وَالتَّحْرِيمُ وَالتَّحْلِيلُ، وَالتَّنْزِيلُ وَالتَّأْوِيلُ،

و با نبود تو، بانک «الله اکبر» و «لا اله الا الله» و حرام و حلال و تنزیل و تأویل، ناپدید شد؛

وظَهَرَ بَعْدَكَ التَّغْيِيرُ وَالتَّبْدِيلُ، وَالْإِلْحَادُ وَالتَّعْطِيلُ، وَالْأَهْوَاءُ وَالْأَضَالِيلُ، وَالْفِتْنُ وَالْبَاطِيلُ.

و بعد تو، تغییر و دگرگونی و بی دینی و تعطیلی سنت‌ها و هواهای نفسانی، و گمراهی‌ها و فتنه‌ها و باطل‌ها پدیدار گشت.

فَقَامَ نَاعِيكَ عِنْدَ قَبْرِ جَدِّكَ الرَّسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَنَعَاكَ إِلَيْهِ بِالذَّمْعِ الْهَطُولِ،

پس، خیردهنده شهادت تو نزد قبر جدّ تو رسول خدا ایستاد، و با اشک ریزان خبر شهادت تو را به پیامبر داد؛

قَائِلًا يَا رَسُولَ اللَّهِ قَتَلَ سَيْطُكَ وَفَتَاكَ، وَاسْتَبِيحَ أَهْلَكَ وَحِمَاكَ،

در حالی که می گفت: ای رسول خدا؛ نوه و جوان تو کشته شد، و حرمت اهل بیت تو شکسته و مباح شمرده شد؛

وَسَيَّيْتُ بَعْدَكَ ذَرَارِيكَ، وَوَقَعَ الْمَحْدُورُ بِعِثْرَتِكَ وَذَوِيكَ. فَانْزَعَجَ الرَّسُولُ،

و ذریه تو را بعد تو اسیر کردند، و خانواده و اطرافیان در گرفتاری افتادند. پس، پیامبر آشفته گردید،

وَبَكَى قَلْبُهُ الْمَهُولُ، وَعَزَاهُ بِكَ الْمَلَائِكَةُ وَالْأَنْبِيَاءُ، وَفُجِعَتْ بِكَ أُمُّكَ الزَّهْرَاءُ،

و قلب وحشت زده اش گریست و به خاطر تو فرشتگان و پیامبران بر او تسلیت گفتند و به خاطر تو مادرت زهرا سوگوار شد؛

وَاخْتَلَفَتْ جُنُودُ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ، تُعْزِي أَبَاكَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، وَأَقِيمَتْ لَكَ الْمَاتِمُ فِي أَغْلَا عَلِيِّينَ،

و لشکریان فرشتگان مقرب برای تسلیت به پدرت امیرمؤمنان آمد و شد کردند، و در اعلی علیین برای تو ماتم برپا شد،

وَلَطَمَتْ عَلَيْكَ الْحُورُ الْعِينُ، وَبَكَتِ السَّمَاءُ وَسُكَّانُهَا، وَالْجَنَانُ وَخَزَائِنُهَا، وَالْهَضَابُ وَأَقْطَارُهَا، وَالْبَحَارُ وَحِيتَانُهَا،

و برای تو حورالعین سیلی بر صورت خود زدند و آسمان و ساکنانش و بهشت و خزانه دارانش و کوهها و دامنه هایشان و دریا و ماهیان

وَالْجِنَانُ وَوِلْدَانُهَا، وَالْبَيْتُ وَالْمَقَامُ، وَالْمَشْعَرُ الْحَرَامُ، وَالْحِلُّ وَالْأَحْرَامُ.

و بهشت و پسرانش و خانه خدا و مقام و مشعر الحرام و خارج خانه و اطرافش، همه گریستند.

اللَّهُمَّ فَبِحَرَمَةِ هَذَا الْمَكَانِ الْمُنِيفِ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاحْشُرْنِي فِي زُمْرَتِهِمْ،

خدایا پس به حرمت این مکان شریف، بر محمد و آلش درود فرست؛ و مرا در زمره شان محشور کن،

وَأَدْخِلْنِي الْجَنَّةَ بِشَفَاعَتِهِمْ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ يَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ، يَا أَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ،

و مرا به شفاعت آنان داخل بهشت نما. خدایا؛ به تو توسّل پیدا می کنم؛ ای سریع ترین حساب گران؛ و ای کریم ترین کریمان؛

وَيَا أَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ، بِمُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ، رَسُولِكَ إِلَى الْعَالَمِينَ أَجْمَعِينَ،

و ای مقتدرترین حاکمان و به محمد خاتم پیامبران، فرستاده اب بر همه جهانیان؛

وَبِأَخِيهِ وَابْنِ عَمِّهِ الْأَنْزَعِ الْبَطِينِ، الْعَالِمِ الْمَكِينِ، عَلِيٍّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَبِفَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ،

و به برادر و پسرعمویش که از شرک جدا شده، عالم و الامقام، علی امیر مؤمنان؛ و به فاطمه سرور زنان جهانیان،

وَبِالْحَسَنِ الزَّكِيِّ عَصْمَةِ الْمُتَّقِينَ، وَبِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ أَكْرَمِ الْمُسْتَشْهَدِينَ، وَبِأَوْلَادِهِ الْمَقْتُولِينَ،

و به حسن پاکیزه و پناه پرهیزکاران، و به ابی عبدالله الحسین، گرامی ترین شهادت جویان و به فرزندان شهیدش

وَبِعِزَّتِهِ الْمَظْلُومِينَ، وَبِعَلَى بْنِ الْحُسَيْنِ زَيْنِ الْعَابِدِينَ. وَبِمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ قِبْلَةَ الْأَوَّابِينَ،

و به خاندان مظلومش؛ و به علی بن الحسین زینت عابدان. و به محمد بن علی، قبله توبه‌کنندگان؛

وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ أَصْدَقِ الصَّادِقِينَ، وَمُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ مُظْهِرِ الْبَرَاهِينِ، وَعَلِيِّ بْنِ مُوسَى نَاصِرِ الدِّينِ،

و به جعفر بن محمد، راست‌گوترین راستگویان و به موسی بن جعفر، آشکار کننده حجت‌ها؛ و به علی بن موسی یاور دین؛

وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ قُدْوَةِ الْمُهْتَدِينَ، وَعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ أَزْهَدِ الزَّاهِدِينَ،

و به محمد بن علی، آسوه هادیان؛ و به علی بن محمد، زاهدترین زاهدان؛

وَالْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ وَارِثِ الْمُسْتَخْلَفِينَ، وَالْحُجَّةَ عَلَى الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ،

و به حسن بن علی وارث جانشیان، و حجت بر همه خلق خدا؛

أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، الصَّادِقِينَ الْأَبْرَرِينَ، آلِ طه وَيس،

که درود فرستی بر محمد و آلش، راستگویان نیکوکار، آل طه و یس؛

وَأَنْ تَجْعَلَنِي فِي الْقِيَامَةِ مِنَ الْأَمِينِ الْمُطْمَئِنِّينَ الْفَائِزِينَ الْفَرِحِينَ الْمُسْتَبْشِرِينَ.

و این که مرا در قیامت از جمله امان یافتگان و آسودگان و رستگاران و شادمانان و بشارت یافتگان قرار دهی.

اللَّهُمَّ اكْتُبْنِي فِي الْمُسْلِمِينَ، وَالْحَقْنِي بِالصَّالِحِينَ، وَاجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ،

خدایا؛ مرا از جمله مسلمانان قرار ده، و مرا به صالحان ببیوند، و برای من در میان آیندگان سخن راست قرار ده.

وَانصُرْنِي عَلَى الْبَاغِينَ، وَاكْفِنِي كَيْدَ الْحَاسِدِينَ، وَاصْرِفْ عَنِّي مَكْرَ الْمَاكِرِينَ،

و مرا بر ستمگران پیروز فرما، و مرا از مکر حسودها کفایت کن، و از من حيله مکاران را باز گردان،

وَاقْبِضْ عَنِّي أَيْدِيَ الظَّالِمِينَ، وَاجْمَعْ بَيْنِي وَبَيْنَ السَّادَةِ الْأَمِيَامِينَ، فِي أَعْلَا عَلِيَّيْنِ، مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ،

و دست ستمکاران را از من کوتاه کن، و مرا با سروران فرخنده در اعلا علیین جمع کن؛ با آنان که به آن‌ها نعمت دادی

مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ، وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

از پیامبران و راستگویان و شهدا و صالحان؛ به رحمت ای مهربان‌ترین مهربانان .

اللَّهُمَّ إِنِّي أُقْسِمُ عَلَيْكَ بِنَبِيِّكَ الْمَعْصُومِ، وَبِحُكْمِكَ الْمُحْتَمِ، وَنَهْيِكَ الْمَكْتُومِ، وَبِهَذَا الْقَبْرِ الْمَلْمُومِ،

خدایا؛ سوگندت می‌دهم به پیامبر معصومت و به حکم حتمیت، و نهی پوشیده‌ات؛ و به این قبر که به آن آمد و شد می‌شد،

الْمُوسَدِّ فِي كَنَفِهِ، الْإِمَامُ الْمَعْصُومُ الْمَقْتُولُ الْمَظْلُومُ، أَنْ تَكْشِفَ مَا بِي مِنَ الْعُيُومِ،

و امام معصومی که در سایه آن آرمیده است، که مظلومانه کشته شده؛ این که آنچه از غم دارم برطرف سازی،

وَتَصْرِفَ عَنِّي شَرَّ الْقَدَرِ الْمُخْتَوِّمِ، وَتُجِيرَنِي مِنَ النَّارِ ذَاتِ السَّمُومِ.

و از من شرّ قضا و قدر حتمی را باز گردانی، و از آتش گرم و سوزان جهنّم مرا پناه دهی.

اَللّٰهُمَّ جَلِّلِنِيْ بِنِعْمَتِكَ، وَرَضِّنِيْ بِقِسْمِكَ، وَتَعَمَّدْنِيْ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ، وَبَاعِدْنِيْ مِنْ مَّكَرِكَ وَتَقَمُّتِكَ.

خدایا؛ مرا به نعمتت بزرگی بخش، و به قسمتت راضی نما، و مرا غرق جود و کرمّت فرما، و مرا از مکر و مجازاتت دور نما.

اَللّٰهُمَّ اعْصِمْنِيْ مِنَ الزَّلَلِ، وَسَدِّدْنِيْ فِي الْقَوْلِ وَالْعَمَلِ، وَافْسَحْ لِيْ فِي مُدَّةِ الْاَجَلِ،

خدایا؛ مرا از لغزش ها محفوظ بدار، و مرا در قول و عمل استوار گردان، و وسعت و فراخی در دوران عمرم برایم قرار بده،

وَأَعْنِنِيْ مِنَ الْاَوْجَاعِ وَالْعِلَلِ، وَبَلِّغْنِيْ بِمَوَالِيَّ وَفَضْلِكَ اَفْضَلَ الْاَمَلِ.

و مرا از دردها و امراض عافیت بخش، و به حق اولیایم، و به کرمّت، مرا به بهترین آرزوهایم برسان.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاقْبَلْ تَوْبَتِيْ، وَارْحَمْ عِبْرَتِيْ، وَأَقِلْنِيْ عَثْرَتِيْ، وَنَفْسُ كُرْبَتِيْ،

خدایا؛ بر محمد و آلش درود فرست، و توبه‌ام قبول فرما؛ و بر گریه‌ام رحم نما، و از لغزشم درگذر، و اندوهم را برطرف کن،

وَاغْفِرْ لِيْ خَطِيئَتِيْ، وَأَصْلِحْ لِيْ فِيْ ذُرِّيَّتِيْ.

و گناهانم را ببخش، و نسلم را از صالحان قرار ده.

اَللّٰهُمَّ لَا تَدْعُ لِيْ فِيْ هَذَا الْمَشْهَدِ الْمُعْظَمِ، وَالْمَحَلِّ الْمُكْرَمِ ذَنْبًا اِلَّا غَفَرْتَهُ، وَلَا عَيْبًا اِلَّا سَتَرْتَهُ،

خدایا؛ برایم و امگذار در این حرم شریف و بارگاه باکرامت گناهی را مگر آن را ببخشی و هیچ عیبی را مگر آن که بپوشانی،

وَلَا غَمًّا اِلَّا كَشَفْتَهُ، وَلَا رِزْقًا اِلَّا بَسَطْتَهُ، وَلَا جَاهًا اِلَّا عَمَّرْتَهُ،

و غمی را مگر آن که برطرف کنی؛ و هیچ رزقی را مگر آن که گسترده گردانی، و مقامی را مگر آن که آباد کنی،

وَلَا فَسَادًا اِلَّا اَصْلَحْتَهُ، وَلَا اَمَلًا اِلَّا بَلَّغْتَهُ، وَلَا دُعَاءً اِلَّا اَجَبْتَهُ،

و فسادی را مگر آن که اصلاح فرمایی؛ و آرزویی را مگر آن که به آن برسانی، و دعایی را مگر آن که اجابت فرمایی،

وَلَا مَضِيْقًا اِلَّا فَرَّجْتَهُ، وَلَا شَمَلًا اِلَّا جَمَعْتَهُ، وَلَا اَمْرًا اِلَّا اَتَمَمْتَهُ،

و فشاری را مگر گشایش دهی، و تفرقی را مگر آن که به اجتماع مبدّل گردانی، و کاری را مگر آن که تمام کنی،

وَلَا مَالًا اِلَّا كَثَرْتَهُ، وَلَا خُلُقًا اِلَّا حَسَّنْتَهُ، وَلَا اِنْفَاقًا اِلَّا اَخْلَقْتَهُ،

و مالی را مگر آن که زیادش کنی، و اخلاقی را مگر آن که نیکو فرمایی، و انفاقی را مگر آن که جایگزین برایش قرار دهی،

وَلَا حَالًا اِلَّا عَمَّرْتَهُ، وَلَا حَسُودًا اِلَّا قَمَعْتَهُ، وَلَا عَدُوًّا اِلَّا اَرْدَيْتَهُ،

و حالی را مگر آن که خوب نمایی؛ و حسودی را مگر آن که ریشه کن نمایی، و دشمنی را مگر آن که از میان ببری،

وَلَا شَرًّا إِلَّا كَفَيْتَهُ، وَلَا مَرَضًا إِلَّا شَفَيْتَهُ،

و شری را مگر آن که کفایت کنی، و مرضی را مگر آن که شفا دهی،

وَلَا بَعِيدًا إِلَّا أَذْنَيْتَهُ، وَلَا شَعْنًا إِلَّا لَمَمْتَهُ، وَلَا سُؤَالَ إِلَّا أَعْطَيْتَهُ.

و دوری را مگر آن که نزدیک فرمایی، و پراکندگی را مگر آن که سامان دهی، و درخواستی را مگر آن که عطا نمایی.

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ خَیْرَ الْعَاجِلَةِ، وَتَوَابَ الْاٰجِلَةِ. اَللّٰهُمَّ اَغْنِنِیْ بِحِلَالِکَ عَنِ الْحَرَامِ، وَبِفَضْلِکَ عَنْ جَمِیْعِ الْاَنَامِ.

خدایا؛ از تو می‌خواهم خیر حاضر و پاداش آینده را. خدایا؛ مرا با حلالیت از حرام غنی و با کرمیت از تمام مردم بی نیاز ساز.

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ عِلْمًا نَافِعًا، وَقَلْبًا خَاشِعًا وَیَقِیْنًا شَافِیًّا، وَعَمَلًا زَاكِیًّا، وَصَبْرًا جَمِیْلًا، وَاجْرًا جَزِیْلًا.

خدایا؛ از تو می‌خواهم علم سودمند، و قلب خاشع، و یقین قاطع، و عمل پاک، و صبر زیبا، و اجری را که زیاد باشد.

اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِیْ شُكْرَ نِعْمَتِکَ عَلَیَّ، وَزِدْ فِیْ اِحْسَانِکَ وَکَرَمِکَ اِلَیَّ،

خدایا؛ شکر نعمتت را که بر من است روزیم فرما، و احسان و کرمیت را بر من زیاد نما،

وَاجْعَلْ قَوْلِیْ فِی النَّاسِ مَسْمُوعًا، وَعَمَلِیْ عِنْدَکَ مَرْفُوعًا، وَاثَرِیْ فِی الْخَیْرَاتِ مَتْبُوعًا، وَعَدُوِّیْ مَقْمُوعًا.

و سخنم را بین مردم مقبول و عملم را در نزدت بالا قرار بده و اثرم را در خیرات، مورد پیروی قرار بده، و دشمنم را نابود نما.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الْاَخِیَارِ، فِیْ اَنَاءِ اللَّیْلِ وَاطْرَافِ النَّهَارِ، وَاکْفِنِیْ شَرَّ الْاَشْرَارِ،

خدایا؛ دورد فرست بر محمد و آلش، که نیکوکاران هستند، در تمامی شب و روز؛ و از من دور نما شرّ اشخاص شرور را،

وَطَهِّرْنِیْ مِنَ الذُّنُوبِ وَالْاَوْزَارِ، وَاجِرْنِیْ مِنَ النَّارِ، وَاحِلْنِیْ دَارَ الْقَرَارِ،

و مرا از گناهان و بار گران آن پاک فرما، و از آتش پناهم ده. و در خانه بهشت وارد کن،

وَاعْفِرْ لِیْ وَلِجَمِیْعِ اِخْوَانِیْ فِیکَ وَاَخَوَاتِیْ الْمُؤْمِنِیْنَ وَالْمُؤْمِنَاتِ، بِرَحْمَتِکَ یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِیْنَ.

و مرا و تمامی برادران و خواهران مؤمنی که در راه تو آن‌ها را یافته‌ام به رحمتت ببامرز، ای مهربان‌ترین مهربانان.

سپس رو به قبله کن و دو رکعت نماز به جای آور؛ در رکعت اول بعد از حمد، سوره «انبیاء»، و در رکعت دوم بعد از حمد،

سوره «حشر» را بخوان، و در قنوت بگو :

لَا اِلَهَ اِلَّا اللّٰهُ الْحَلِیْمُ الْکَرِیْمُ، لَا اِلَهَ اِلَّا اللّٰهُ الْعَلِیُّ الْعَظِیْمُ،

هیچ معبودی جز خدای بردبار و کریم نیست؛ هیچ معبودی جز خدای بلندمرتبه و بزرگ نیست،

لَا اِلَهَ اِلَّا اللّٰهُ رَبُّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ، وَالْاَرْضِیْنَ السَّبْعِ،

هیچ معبودی نیست جز خدایی که پروردگار آسمان‌های هفت‌گانه و زمین‌های هفت‌گانه

وَمَا فِيهِنَّ وَمَا بَيْنَهُنَّ، خِلَافاً لِأَعْدَائِهِ، وَتَكْذِيباً لِمَنْ عَدَلَ بِهِ، وَإِقْرَاراً لِرُبُوبِيَّتِهِ، وَخُضُوعاً لِعِزَّتِهِ.

و آنچه در آن‌ها و بینشانست؛ برخلاف دشمنانش و تکذیب آنانکه از او برگشتند، و اقرار به ربوبیتش، و خضوع مقابل عزتش.

الْأَوَّلُ بِغَيْرِ أَوَّلٍ، وَالْآخِرُ إِلَى غَيْرِ آخِرٍ، الظَّاهِرُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ بِقُدْرَتِهِ،

او اولی است که آغاز ندارد، و آخری است که انتهای ندارد و او، غلبه دارد بر هر چیز به سبب قدرتش،

الْبَاطِنُ دُونَ كُلِّ شَيْءٍ بِعِلْمِهِ وَطُفَاهِ، لَا تَقِفُ الْعُقُولُ عَلَى كُنْهِ عَظَمَتِهِ، وَلَا تُدْرِكُ الْاَوْهَامُ حَقِيقَةَ مَا هَيْئَتِهِ،

و با دانش و دقتش از درون هر چیز آگاه است. عقل‌ها بر کُنهِ عظمتش راه ندارند. و اوهام حقیقت ذاتش را درک نمی‌کنند،

وَلَا تَتَصَوَّرُ الْأَنْفُسُ مَعَانِيَ كَيْفِيَّتِهِ، مُطْلِعاً عَلَى الضَّمَائِرِ، عَارِفاً بِالسَّرَائِرِ، يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ.

و جانها چگونگی‌اش را درک نمی‌کنند، بر نهانها آگاه و بر پنهانها آشنا است؛ خیانت چشم‌ها و آنچه در سینه‌ها پنهان است را می‌داند.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ عَلَى تَصَدِيقِي رَسُولَكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَإِيْمَانِي بِهِ، وَعِلْمِي بِمَنْزِلَتِهِ،

خدایا؛ تو را گواه می‌گیرم بر تصدیقم به پیامبرت که درود خدا بر او و آلش و ایمانم به او؛ و آگاهی من نسبت به منزلتش؛

وَإِنِّي أَشْهَدُ أَنَّهُ النَّبِيُّ الَّذِي نَطَقَتِ الْحِكْمَةُ بِفَضْلِهِ، وَبَشَّرَتِ الْأَنْبِيَاءُ بِهِ،

و شهادت می‌دهم که همانا او پیامبری است که حکمت به فضل و دانش او گویا گشت، و پیامبران به آمدن او بشارت دادند.

وَدَعَاكَ إِلَى الْإِقْرَارِ بِمَا جَاءَ بِهِ، وَحَثَّ عَلَى تَصَدِيقِهِ بِقَوْلِهِ تَعَالَى

و دعوت به اقرار به آن چه آورده است، کردند و تشویق به تصدیقش نمودند؛ همان گونه که خداوند فرمود :

(الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمُ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ

«کسی است که نامش را در تورات و انجیل نوشته می‌یابند او آن‌ها را به کارهای نیکو امر و از کارهای زشت باز می‌دارد

وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ)

و پاک‌ها را برایشان حلال و پلیدی‌ها را حرام می‌نماید؛ و برمی‌دارد از دوششان سنگینی و زنجیری را که بر گردن دارند».

فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ رَسُولِكَ إِلَى الثَّقَلَيْنِ، وَسَيِّدِ الْأَنْبِيَاءِ الْمُصْطَفَيْنِ،

پس، درود فرست بر محمد رسول و فرستاده ات به سوی جن و انس و سید و سرور انبیای برگزیده ات؛

وَعَلَى أَخِيهِ وَابْنِ عَمِّهِ الَّذِينَ لَمْ يُشْرِكَا بِكَ طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَدًا، وَعَلَى فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ.

و بر برادرش و پسرعمویش، آن دو که حتی برای یک لحظه به تو شرک نورزیدند؛ و بر فاطمه زهرا، سرور زن‌های جهانیان.

وَعَلَى سَيِّدَيِ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، صَلَاةَ خَالِدَةِ الدَّوَامِ، عَدَدَ قَطْرِ الرَّهَامِ،

و بر دو سرور جوانان اهل بهشت، حسن و حسین، درودی که جاودانی و دایمی باشد؛ به تعداد قطره‌های باران،

وَزَنَةَ الْجِبَالِ وَالْأَكَامِ مَا أَوْرَقَ السَّلَامُ، وَاخْتَلَفَ الضِّيَاءُ وَالظَّلَامُ،

و به سنگینی کوه ها و تپه ها تا وقتی که سلام نتیجه، می دهد؛ و تا وقتی که نور و ظلمت در رفت و آمدند؛

وَعَلَى آلِهِ الطَّاهِرِينَ، الْأَئِمَّةِ الْمُهْتَدِينَ، الَّذِينَ عَنِ الدِّينِ،

و بر آل پاکش، امامان هدایت شده - آن مدافعان دین -

عَلَى مُحَمَّدٍ وَجَعْفَرٍ وَمُوسَى وَعَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى وَالْحَسَنِ وَالْحُجَّةِ الْقَوَامِ بِالْقِسْطِ وَسُلَالَةِ السَّبْطِ.

یعنی علی و محمد و جعفر و موسی و علی و محمد و علی و حسن و حجت؛ که پیادارندگان قسطاند و از نسل سبط پیامبرند.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ هَذَا الْإِمَامِ، فَرَجاً قَرِيباً، وَصَبْراً جَمِیلاً، وَنَصْراً عَزِيزاً،

خدایا؛ از تو می خواهم به حق این امام گشایش نزدیک، و صبر جمیل، و یاری با عزت،

وَعَنِي عَنِ الْخَلْقِ، وَثَبَاتاً فِي الْهُدَى، وَالتَّوْفِيقَ لِمَا تُحِبُّ وَتَرْضَى، وَرِزْقاً وَاسِعاً حَلَالاً،

و بی نیازی از خلق، و پایداری در هدایت، و توفیق بر آنچه دوست داری و می پسندی؛ و رزق و روزی گسترده، حلال،

طَيِّباً مَرِيئاً، دَاراً سَائِغاً، فَاضِلاً مُفَضَّلاً، صَبّاً صَبّاً، مِنْ غَيْرِ كَدٍّ وَلَا نَكْدٍ وَلَا مَنَّةٍ مِنْ أَحَدٍ،

پاک، و گوارا، قطع نشدنی، خوش گوار، فراوان، زیاد شده و پیوسته ریزان بدون زحمت و سختی، و بی هیچ منتی از کسی،

وَعَافِيَةً مِنْ كُلِّ بَلَاءٍ وَسَقَمٍ وَمَرَضٍ، وَالشُّكْرَ عَلَى الْعَافِيَةِ وَالنَّعْمَاءِ،

و مصون از هر بلا و بیماری و مریضی، و شکرگزاری بر سلامت و عافیت و نعمت را به من عنایت کنی.

وَإِذَا جَاءَ الْمَوْتُ فَاقْبِضْنَا عَلَى أَحْسَنِ مَا يَكُونُ لَكَ طَاعَةً، عَلَى مَا أَمَرْتَنَا مُحَافِظِينَ،

و وقتی مرگ فرا رسید جان ما را در بهترین حال، از نظر اطاعت بگیر؛ در حالتی که اجرا کننده فرامین تو باشیم؛

حَتَّى تُؤَدِّبَنَا إِلَى جَنَّاتِ النَّعِيمِ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

تا این که ما را به بهشت پر نعمت برسانی؛ به رحمت، ای مهربان ترین مهربانان؛

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَوْحِشْنِي مِنَ الدُّنْيَا، وَأَنْسِنِي بِالْآخِرَةِ،

خدایا؛ بر محمد و آل محمد درود فرست، و مرا از دنیا وحشت زده و با آخرت مأنوس گردان؛

فَإِنَّهُ لَا يُوحِشُ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا خَوْفُكَ، وَلَا يُؤْنِسُ بِالْآخِرَةِ إِلَّا رَجَاؤُكَ.

چرا که به هراس از دنیا نمی اندازد مگر هراس از تو؛ و با آخرت مأنوس نمی سازد مگر امید به تو.

اللَّهُمَّ لَكَ الْحُجَّةُ لَا عَلَيْكَ، وَإِلَيْكَ الْمُشْتَكَى لَا مِنْكَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ،

خدایا؛ حجت به نفع توست، نه بر ضرر تو؛ و شکوه ها به سوی توست، نه شکوه از تو؛ پس، درود فرست بر محمد و آل او؛

وَأَعِنِّي عَلَى نَفْسِي الظَّالِمَةِ الْعَاصِيَةِ، وَشَهْوَتِي الْغَالِبَةِ، وَاخْتِمِ لِي بِالْعَافِيَةِ.

و مرا بر نفس ستمگر و سرکشم، و بر شهوت چیره شونده ام یاری نما؛ و با عافیت کارم را به پایان برسان.

اَللّٰهُمَّ اِنَّ اَسْتَغْفِرُكَ اِيَّاكَ وَاَنَا مُصِرٌّ عَلَى مَا نَهَيْتَ قَلَّةً حَيَاءً،

خدایا؛ همانا طلب آمرزشم از تو، در حالی که بر آن چه از من نهی فرمودی پافشاری می کنم، از کمی حیا و شرم من است،

وَتَرْكِي الْاِسْتِغْفَارَ مَعَ عِلْمِي بِسَعَةِ حِلْمِكَ تَضِيعُ لِحَقِّ الرَّجَاءِ.

و ترک کردن من استغفار را، با علم من به گسترش بردباری تو، از بین برنده حق امیدواری است .

اَللّٰهُمَّ اِنَّ ذُنُوبِي تُؤَيِّسُنِي اَنْ اُرْجُوَكَ، وَ اِنَّ عِلْمِي بِسَعَةِ رَحْمَتِكَ يَمْنَعُنِي اَنْ اَخْشَاكَ،

بارالها؛ همانا گناهانم مرا از امیدوار بودن به تو ناامید ساخته، و علم من بر زیادی رحمتت مرا از هراس از تو باز می دارد؛

فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَصَدِّقْ رَجَائِي لَكَ،

پس درود فرست بر محمد و آل محمد، و امید مرا بر خودت صادق و به جا و به مورد قرار بده،

وَكَذَّبْ خَوْفِي مِنْكَ، وَكُنْ لِي عِنْدَ أَحْسَنِ ظَنِّي بِكَ، يَا أَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ.

و ترسم را از تو بی مورد و بی جا فرما، و برای من آن گونه که به تو خوش گمان هستم باش؛ ای کریم ترین کریم ها.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَآيِدْنِي بِالْعِصْمَةِ، وَأَنْطِقْ لِسَانِي بِالْحِكْمَةِ،

خدایا؛ بر محمد و آل محمد درود فرست، و مرا با بازداشتن از گناه تأیید کن، و زبانم را به حکمت گویا نما،

وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ يَنْدُمُ عَلَى مَا ضَيَعَهُ فِي أَمْسِهِ، وَلَا يَغْبِنُ حَظَّهُ فِي يَوْمِهِ، وَلَا يَهِمُّ لِرِزْقِ غَدِهِ.

و مرا از کسانی قرار ده که برگزیده ضایع شده پشیمان اند و نسبت به بهره امروزشان مغبون نگشته اند؛ و اهمّی به روزی فردا ندارند.

اَللّٰهُمَّ اِنَّ الْغَنَى مَنِ اسْتَغْنَى بِكَ وَافْتَقَرَ اِلَيْكَ، وَالْفَقِيرُ مَنِ اسْتَغْنَى بِخَلْقِكَ عَنْكَ،

خدایا دارا کسی ست که با تو بی نیازی جوید و خود را محتاج تو بداند و فقیر کسی ست که به جای تو از خلق بی نیازی جوید

فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَغْنِنِي عَنْ خَلْقِكَ بِكَ، وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ لَا يَبْسُطُ كَفًّا اِلَّا اِلَيْكَ.

پس، بر محمد و آلش درود بفرست و مرا به وسیله خود از خلقت بی نیاز کن و مرا از آنان قرار ده که دستش را جز سوی تو دراز نکند.

اَللّٰهُمَّ اِنَّ الشَّقَى مَنْ قَنَطَ وَاَمَامَهُ التَّوْبَةُ، وَوَرَاءَهُ الرَّحْمَةُ،

خدایا به راستی بدبخت کسی است که نا امید باشد از درگاه تو در حالی که پیش رویش توبه و پشت سرش رحمت باشد،

وَ اِنْ كُنْتُ ضَعِيفَ الْعَمَلِ فَإِنِّي فِي رَحْمَتِكَ قَوِيٌّ اَلْأَمَلِ، فَهَبْ لِي ضَعْفَ عَمَلِي لِقُوَّةِ أَمَلِي.

و گر چه من ضعیف در عمل به دستورات هستم، اما نسبت به رحمتت امیدم قوی است؛ پس ضعف رفتارم را به قوت امیدم ببخشای.

اَللّٰهُمَّ اِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ اَنْ مَا فِي عِبَادِكَ مَنْ هُوَ اَقْسَى قَلْبًا مِنِّيْ، وَاَعْظَمُ مَنِّيْ ذَنْبًا،

خدایا؛ اگر در بین بندگان سنگدل تر از من و گناهکارتر از من سراغ نداشته باشی؛

فَاِنِّيْ اَعْلَمُ اَنْهُ لَا مَوْلٰى اَعْظَمُ مِنْكَ طَوْلًا، وَاَوْسَعُ رَحْمَةً وَّعَفْوًا،

من هم به خوبی می دانم که مولا و سروری بخشنده تر، و دارای رحمت و عفو و بخشش فراگیرتر از تو وجود ندارد؛

فَيَا مَنْ هُوَ اَوْحَدٌ فِي رَحْمَتِهِ، اِغْفِرْ لِمَنْ لَيْسَ بِاَوْحَدٍ فِي خَطِيئَتِهِ.

پس، ای کسی که در رحمتش بی نظیر است، ببامرز؛ کسی را که در گناهش تنها و یگانه تاز نیست.

اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ اَمَرْتَنَا فَعَصَيْنَا، وَنَهَيْتَ فَمَا اَنْتَهَيْنَا، وَذَكَّرْتَ فَتَنَاسَيْنَا،

خدایا تو به ما دستور دادی ولی نافرمانی کردیم و بازداشتی ولی اجتناب نکردیم؛ و به یادآوردی، و خود را به فراموشی زدیم

وَبَصَّرْتَ فَتَعَامَيْنَا، وَحَذَّرْتَ فَتَعَدَّيْنَا، وَمَا كَانَ ذَلِكَ جَزَاءَ اِحْسَانِكَ اِلَيْنَا،

و بینا کردی، ولی خود را به کوری زدیم؛ و بر حذر داشتی، و تجاوز کردیم؛ و این کارها پاداش نیکی تو به ما نمی باشد؛

وَاَنْتَ اَعْلَمُ بِمَا اُغْلَنَّا وَاُخْفَيْنَا، وَاُخْبِرُ بِمَا نَأْتِي وَمَا اُتَيْنَا، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ،

و تو بهتر، از پنهان و آشکارمان آگاهی؛ و از آنچه انجام خواهیم داد و گذشته کرده ایم؛ پس، بر محمد و آلش درود بفرست

وَلَا تُؤَاخِذْنَا بِمَا اُخْطَاْنَا وَتَسِينَا، وَهَبْ لَنَا حَقُّوْكَ لَدَيْنَا،

و ما را مؤاخذه مکن به جهت گناهان و اشتباهات و فراموش کاری های مان و هر حقی که بر گردن ما داری ببخش؛

وَأْتِمِّ اِحْسَانَكَ اِلَيْنَا، وَأَسْئِلُ رَحْمَتَكَ عَلَيْنَا.

و احسان و نیکی هایت را بر ما کامل و تمام گردان؛ و رحمتت را بر ما سرازیر کن .

اَللّٰهُمَّ اِنَّا نَتَوَسَّلُ اِلَيْكَ بِهَذَا الصِّدِّيقِ الْاِمَامِ، وَنَسْأَلُكَ بِالْحَقِّ الَّذِي جَعَلْتَهُ لَهُ، وَلِجَدِّهِ رَسُوْلِكَ،

خدایا ما به واسطه این امام صدیق، به تو توسل می کنیم و می خواهیم به حقی که مخصوص او قرار دادی و مخصوص جدش رسولت

وَلِابْنِ ابْنِهِ عَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ اَهْلِ بَيْتِ الرَّحْمَةِ، اِذْ رَارَ الرِّزْقُ الَّذِي بِهِ قِوَامُ حَيَاتِنَا، وَصَلَاحُ اَحْوَالِ عِيَالِنَا،

و مخصوص علی و فاطمه اهل بیت رحمت قرار دادی روزیمان را که قوام زندگی و اصلاح امور خانواده مان به آن است، افزون گردان؛

فَاَنْتَ الْكَرِيْمُ الَّذِي تُعْطِي مِنْ سَعَةٍ، وَتَمْنَعُ مِنْ قُدْرَةٍ،

زیرا تو کریم و بزرگواری هستی که با توانگری می بخشی، و از روی قدرت باز می داری؛

وَنَحْنُ نَسْأَلُكَ مِنَ الرِّزْقِ مَا يَكُوْنُ صَلاَحًا لِلدُّنْيَا، وَبَلَاغًا لِلْآخِرَةِ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ،

و ما از روزی، مقداری می خواهیم که موجب صلاح دنیا و سعادت آخرت شود. خدایا؛ بر محمد و آلش درود بفرست

وَأَغْفِرْ لَنَا وَلِوَالِدَيْنَا، وَلِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ، وَالْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ،

و ما و پدر و مادر ما، و تمام زنان و مردان مؤمن و مسلمان را ببامرز

الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَالْأَمْوَاتِ، وَآتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً، وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ.

که زنده و یا مرده اند؛ و در دنیا و آخرت، به ما خیر و نیکی عطا فرما، و از جهنم نگاه دار.

وقتی قنوت تمام شد، رکوع و سجده نموده و می نشینی و تشهد و سلام نماز را انجام می دهی و پس از آن که تسبیح

حضرت زهرا علیها السلام را گفتی، دو طرف صورتت را خاک آلود نموده و چهل بار بگو:

«سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ»

«خدا منزّه است، ستایش ویژه اوست، و جز او معبودی نیست، و او بزرگ است».

سپس از خدا بخواه که تو را از گناه باز دارد، و از عذاب خود نجات دهد، و توفیق انجام کارهای نیک و پذیرش آن‌ها را

عطا کند . آنگاه نزد سر مطهر بایست و دو رکعت نماز مانند نمازی که پیش از این گفتیم به جای آور و پس از نماز، خود را

به روی قبر مطهر ببنداز و آن را ببوس و بگو:

زَادَ اللَّهُ فِي شَرَفِكُمْ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

«خداوند شرافت شما را بیفزاید، و سلام و رحمت و برکات خداوند نیز به طور دایم نثار شما باد».

التماس دعا

پایگاه جامع مداحی حاج میثم مطیعی:

MeysamMotiee.ir

کانال تلگرام رسمی:

t.me/MeysamMotiee_ir

اینستاگرام رسمی:

instagram.com/MeysamMotiee

ربات رسمی تلگرام:

t.me/Meysam_Motiee_bot

پیام رسان ایرانی سروش:

sapp.ir/meysammotiee_ir

کانال کدهای زنگ:

t.me/RBT_MeysamMotiee_ir

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.